

بسم الله الرحمن الرحيم



پرسش و پاسخ های مهدوی

تهیه گفتگوی دینی



جلد چهارم

فهرست

- من شیعه دوازده امامی هستم ولی نمی دانم چرا بعضی موارد به وجود امام زمان (عج) در پس پرده غیبت یقین حاصل نمی کنم البته قبول دارم لطفاً راهکاری ارائه فرمایید به این مهم اطمینان قلبی حاصل کنم؟
- تفسیر کامل بخشی از دعای ماه شعبان
- علت نهی از ذکر اسم خاص امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چیست؟
- حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چگونه نظم دهنده عالم هستی هستند؟
- چرا به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شریک القرآن می گوئیم و آیا این لقب را به ائمه دیگر هم می توان داد یا خیر؟
- امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از لحاظ رفتار اجتماعی چه ویژگی هایی دارد؟
- خصوصیات ظاهری امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بیان و نحوه برخورد ایشان با کفار چگونه است؟
- آیا امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) معجزه ای دارد؟
- معنی «عدمه منا» و آیه «امن یوجیب...» چیست؟ امام زمان (عج) هم کنیه چه کسی بوده و اولین کسی که در مورد تصویر امام سخن گفت کیست و نویسنده کتاب منتخب الاثر چه کسی است؟
- حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چگونه رابطه عالم غیب و طبیعت هستند و چگونه فیض الهی را از خداوند دریافت و به تمام موجودات می رسانند؟
- علما چگونه توانسته اند خصوصیات ظاهری حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بدانند؟
- چه راه هایی برای شناختن مهدی نمایان وجود دارد؟
- چرا با آغاز دوره ی استعمار، ادعای دورغین مهدویت زیاد شد؟
- آیا در قرآن کریم نامی از حضرت مهدی برده شده است و آیا در قرآن کریم حرفی از انتظار و اینکه منتظر واقعی کیست و باید دارای چه ویژگی هایی باشد، به میان آمده است؟

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

- نسبت رشد عقلانی، برابری و اخلاق در نظام دار بنیادی مهدوی مورد انتظار ما چگونه است؟
و آگاهی و اراده آدمی در رسیدن به این نظام چه نقشی دارد؟
- از چه زمانی، عدّه ای به دروغ، ادعای مهدویت کردند؟
- آیا انقلاب اسلامی ایران می‌تواند از مقدمات ظهور امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) محسوب گردد؟

پرسش و پاسخهای مهدوی

پرسش و پاسخ های مهدوی (قسمت چهارم)

من شیعه دوازده امامی هستم ولی نمی دانم چرا بعضی موارد به وجود امام زمان (عج) در پس پرده غیبت یقین حاصل نمی کنم البته قبول دارم لطفاً راهکاری ارائه فرمایید به این مهم اطمینان قلبی حاصل کنم؟

پاسخ :

به خاطر وجود انگیزه قوی برای رسیدن به اطمینان قلبی نسبت به امر غیبت امام عصر ارواحنا فداه به شما تبریک می گوئیم و امیدواریم در پرتو عنایات حضرت به این مرحله از کمال معرفت دست پیدا کنید. اما در پاسخ به درخواست شما مبنی بر ارائه راهکاری برای ایجاد اطمینان قلبی نسبت به مسئله غیبت امام زمان (عج) شایسته است به نکات ذیل توجه فرمایید:

۱. برای رسیدن به اطمینان قلبی - یعنی بالاترین مرحله شناخت - باید مسئله مورد نظر شهود شود که در مسائل حسی و تجربی، شهود حسی و مادی، این اطمینان خاطر فراهم می شود و در مسائل مربوط به ماوراء حس و تجربه، رسیدن به مرحله والای شهود باطنی؛ که این مرحله از ادراک، مختص اولیای الهی می باشد و کمتر کسی به این درجه از معرفت دست می یابد.

در ماجرای زنده کردن پرندگان توسط حضرت ابراهیم - علیه السلام - وقتی حضرت از خداوند متعال درخواست می کند چگونگی زنده کردن مردگان را به او نشان دهد، خداوند خطاب به او می فرماید: "اولم تؤمن" آیا ایمان نیاورده ای، و حضرت در پاسخ می گوید: "بلی و لکن لیطمئن قلبی" [۱] ایمان آورده ام اما می خواهم قلبم مطمئن شود پیداست برای دست یافتن به اطمینان قلبی در چنین موردی، تنها ادله عقلی و علمی محض کارساز نیست بلکه با ضمیمه شدن شهود عینی و حسی، این مرحله از ادراک برای انسان حاصل می شود. نکته بسیار مهمی که در این مورد قابل توجه است و علامه به زیبایی به آن اشاره می کند آنکه: وجود طورات مخالف با عقائد دینی، همیشه منافی با ایمان و تصدیق آنها ندارند بلکه تنها اثر اینگونه خطورات قلبی آزار روح و روان انسان و سلب آرامش و قرار از او می باشد. [۲]

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

بنابراین اولاً رسیدن به مرحله باور قلبی در این گونه مسائل دشوار بوده و برای رسیدن به آن تلاش علمی و عملی فراوانی لازم است.

ثانیاً: اگر شما با طی کردن مراحل علمی و رسیدن به یقین استدلالی و منطقی در مورد غیبت حضرت باز هم به مرحله اطمینان قلبی نرسیدید جایی برای نگرانی و تشویش خاطر در مورد اعتقاد به غیبت حضرت وجود ندارد و از این بابت ایرادی در اعتبار و ایمان شما به مسئله غیبت وجود ندارد. ۲. برای رهایی از تردیدهای ذهنی مربوط به این موضوع که در برخی موارد به مرحله آزار دهنده ای نیز می رسد راهکارهای ذیل پیشنهاد می شود.

- با یک بررسی و درون نگری عمیق، نقاط آسیب پذیر خود را در زمینه اعتقاد به غیبت امام عصر (عج) مشخص کنید:

- اگر در این زمینه اصلاً مطالعه ای نداشته اید از هم اکنون، تصمیم بگیرید به صورت منظم و پی گیر سطح آگاهی خود را ارتقاء بخشید.

- ممکن است شناخت شما در این زمینه محدود به برخی شنیده ها و یافته های غیر مستدل باشد در این صورت به تصحیح اندوخته های خود اقدام کنید.

- اگر با وجود مطالعات مفید و شناخت کافی در این زمینه، باز هم دچار تردید هستید، پیشنهاد می شود: تمام شبهات و سؤالاتی که به نحوی موجب آزار شما می شود را به طور مشخص و صریح بر روی کاغذ بیاورید. سعی کنید تمامی شبهات و القائاتی که موجب می شود امر غیبت حضرت را بعید و یا حتی غیر ممکن بشمارید، جمع آوری نمایید. در این رابطه حتی از ابتدایی ترین و پیش پا افتاده ترین شبهات و سؤالات نیز غافل نشوید.

پس از گردآوری تمام نقاط تردید زاء، آنها را به ترتیب اهمیت رتبه بندی کنید و آنگاه به دنبال یافتن پاسخ مستدل راه حل منطقی برای تک تک ابهامات خود باشید.

ما نیز آماده ایم تا در این راستا شما را یاری کنیم.

- بهترین راه برای زدودن زنگار شک و تردید در این گونه مسائل، سیراب شدن از زلال وحی و سرچشمه های معارف الهی و زانو زدن در مکتب کسانی است که به عصمت و خطاناپذیری آنان ایمان

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

و اعتقاد داریم. گفتار ائمه اطهار - علیهم السّلام - در این رابطه راهگشاست و مطالعه احادیث اهل بیت شما را به ساحل امیدبخش و مطمئن خواهد رساند.

جهت اطمینان بخش بیشتر مطالعه کتاب های از ولادت تا ظهور (سید کاظم قزوینی)، الغیبه (نعمانی)، خورشید مغرب (حکیمی) و... توصیه می شود.

مطالعه و تدبر در فلسفه و علل غیبت امام زمان (عج) و نیز پیگیری مسیر غیبت در میان انبیای گذشته همچون، حضرت موسی، یوسف، یونس و... نیز می تواند راهگشا در رسیدن به باور قلبی باشد. [۳]

حدیث: امام صادق - علیه السّلام - فرمود:

باید امام زمان خود را بشناسی اگر او را شناختی این معرفت خودش کمال است دیر یا زود بودن ظهور آن حضرت برای تو مشکلی ایجاد نمی کند.

ترجمه الغیبه، شیخ طوسی، منشورات تفسیر

پی نوشتها:

[۱]. توجه به این نکته در سایر اعتقادات و باورهای دینی نیز راهگشاست.

[۲]. المیزان، ج ۳، ص ۳۷۴، ذیل آیه ۲۶۰، بقره.

[۳]. مطالعه کتاب، کمال الدین و تمام النعمه، تألیف شیخ صدوق با ترجمه عباس پهلوان توصیه می شود.

تفسیر کامل بخشی از دعای ماه شعبان را که در ذیل آمده است، بیان فرمایید:

پاسخ :

«الهی هب لی کمال الانقطاع الیک و انرا بصار قلوبنا بضیاء نظرها الیک حتی تخرق ابصار القلوب حجب النور، فتصل الی معدن العظمه و تصیر ارواحنا معلقه یعز قدسه. الاهی و اجعلی ممّن نادیته ناجبک و لاحظته فصعق لجلالک فناجیته سرّاً و عمل لک جهراً» همچنین تفسیر کامل شعر کعب بن مالک که حضرت امام موسی بن جعفر - علیه السّلام - به آن تمثل جست، چیست؟

زعمت کینه ان ستغلب ربها فلیغلبن مغالب الغلاب ابتدا ترجمه دعا را می آوریم و سپس به توضیح بخش هایی از آن می پردازیم. همچنین یادآور می شویم که این دعا بسیار ژرف و دامنه دار است و شرح کامل و تفسیر جامع از آن بر فرضی که در حد توان بشر معمولی باشد، بی تردید در زبان و قلم

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

نمی گنجد و آنچه در شرح های دعای ماه شعبان گفته می شود، بیش از توضیحی اجمالی و سر بسته نیست و درک حقیقت آن پوینده می خواهد نه شنونده.

«خداوندا، کمال دلبستگی به خودت را به من ببخش و دیدگان دل ما را با پرتو نظر به خودت نور بخش تا دیده دل ها حجاب های نور را بدرد و به معدن بزرگی برسد و روح های ما به درگاه عز قدس تو آویخته گردد.

خدایا، مرا از کسانی قرار بده که صدایشان زدی پس اجابت کردند و به ایشان نظر کردی، پس در برابر جلال تو مدهوش شدند، پس در سرّ با آنان سخن گفتی و آنان آشکارا برای تو عمل کردند.» [۱]
مسئله انقطاع الی الله که برگرفته از آیه «... و تبتل الیه تبیلاً؛ ... و تنها به او دل بند.» [۲]
غیر از مسئله خلوت و عولت یا صحبت و جمعیت است که در کتب اخلاقی طرح شده (اشاره است به این که در سیر و سلوک آیا جدا شدن از خلق و عزلت گزیدن مناسب و بهتر است یا در جمع دیگران بودن)؛

مسئله انقطاع الی الله بریدن و وارستگی انسان از غیر خدا در همه ابعاد است؛ به دیگر سخن، در مسئله انقطاع الی الله وارستن از هر نوع شرک ربوبی و وابستگی و پیوستگی و حاجت بردن به آستان پروردگار متعال است.

عرفا درباره حجاب های نورانی، تفسیرهای متعددی دارند که می تواند به درجات مختلف آن ها اشاره داشته باشد. در روایتی از پیامبر گرامی اسلام - صلی الله علیه و آله - که «ان الله تبارک و تعالی سبعین الف حجاب من نور و ظلمة لو کشفها لاحرق سبحات وجهه مادونه؛ یعنی برای خدای متعال هفتاد هزار حجاب از نور و ظلمت است که اگر گشوده شود، همه (نظاره گران) را بسوزاند.» [۳] بنابراین، ورای حجاب های نورانی و ظلمانی را تنها کسانی می توانند دریابند که زمینه لازم و مقدمات و شروط نظاره به حقایق را فراهم آورده باشند.

مقصود از حجاب های نورانی حجاب هایی است که خود هر چند در مرتبه ای ارزش به شمار می روند، در مرتبه ای دیگر مانع سیر و سلوک اند. نمونه حجاب نورانی را می توان به علم و عمل صالح مانند نماز، روزه، صدقه، و ... مثال زد که سالک را ممکن است در حجاب عجب فرو برد و منیتی فرا روی او بسازد. [۴]

برای آگاهی بیشتر از معانی فقره یاد شده از دعای شریف شعبانیه رجوع شود به شرح مناجات شعبانیه نوشته آیه الله محمد محمدی گیلانی. [۵]

بیت مورد پرسش از کعب بن مالک انصاری است، هر چند برخی به حسان بن ثابت انصاری نسبت داده اند. [۶]

«سخینه» نوعی غذای قریشی ها بوده که از روغن و آرد درست می شده است و در ایام گرانی غذا و

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

کعبود آن می خوردند. قریشی ها به سبب این غذا سرزنش می شده اند و به گفته شارحان، کعب قریش را در این بیت سرزنش کرده است. می گوید: قریش به خیال خود پنداشته می تواند بر خدا غلبه کند، اگر راست می گویند به میدان پهلوانان و قهرمانان بروند و سرافراز بیرون بیایند و غلبه بر خدا پیش کش آنها!

برای آگاهی بیشتر. ر.ک: محمد بن حسن الطوسی، امالی، ص ۴۲۱، دارالثقافه؛ ط الاولی، قم، ۱۴۱۴ هجری؛ بحارالانوار، همان، و نیز شرح مناجات شعبانیه، محمد محمدی گیلانی، نشر سایه، ۱۳۷۳ ش. برای آگاهی بیشتر از انواع حجاب ها و به ویژه حجاب های نورانی و ظلمانی. ر.ک: جواد نوربخش، فرهنگ نوربخش (اصطلاحات تصوّف)، ج ۳، ص ۱۰ - ۱۱، انتشارات یلدا قلم، ج سوم، ۱۳۷۸، ش؛ گوهرین، سید صادق، شرح اصطلاحات تصوّف، ج ۳ - ۴، ص ۱۶۴ - ۱۶۹، انتشارات آفاز، ج اول، ۱۳۶۸ ش).

امام باقر - علیه السلام - : اَنَّمَا شِيعَتُنَا مَنِ اطَاعَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ شِيعِيَانِ مَا تَنَهَا كَسَانِي هَسْتَنْدَ كِه خُدا رَا اطَاعَتِ مِي كَنْد.

پی نوشتها:

[۱]. (محمد باقر مجلسی، ج ۹۱، ص ۹۷ - ۹۹، باب ۳۲، حدیث ۱۲، مؤسسه الوفاء، ط الثانیه، بیروت، ۱۴۰۴ ق).

[۲]. مزمل ۸۱.

[۳]. بحارالانوار، ج ۵۵، ص ۴۵.

[۴]. برای آگاهی بیشتر از انواع حجاب ها و به ویژه حجاب های نورانی و ظلمانی. ر.ک: جواد نوربخش، فرهنگ نوربخش (اصطلاحات تصوّف)، ج ۳، ص ۱۰ - ۱۱، انتشارات یلدا قلم، چ سوم، ۱۳۷۸، ش؛ گوهرین، سید صادق، شرح اصطلاحات تصوّف، ج ۳ - ۴، ص ۱۶۴ - ۱۶۹، انتشارات زوآر، چ اول، ۱۳۶۸ ش).

[۵]. نشر سایه، چ اول، ۱۳۷۳ ش، ص ۲۲۹.

[۶]. بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۱۵۲.

علت نهی از ذکر اسم خاص امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چیست؟

پاسخ:

روایاتی که درباره ی امام مهدی (عج) از پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) و ائمه ی طاهر (علیهم السلام) نقل شده است، به دو دسته ی کلی قابل تقسیم است:

۱- دسته نخست، روایاتی هستند که از طریق اهل سنت و یا از طریق اصحاب ائمه (علیهم السلام) نقل شده اند.

این روایات، دو گونه است:

الف) بعضی از این روایات، با کنایه، به اسم خاص امام مهدی (عج) اشاره کرده اند. مانند روایتی که جابر بن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) نقل می کند که آن حضرت فرمود: (المهدی من ولدی اسمہ اسمی و کنیتہ کنیتی)؛

[۱] مهدی، از فرزندان من است. اسمش، اسم من و کنیه اش، کنیه ی من است...».

ب) برخی دیگر از روایات نیز به صورت صریح، به نام خاص امام مهدی (عج) اشاره کرده اند. مفضل بن عمر از امام صادق (علیه السلام) نقل می کند که فرمود: «الإمام من بعدی ابني موسى و الخلف المأمون المنتظر م ح م د بن الحسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی؛ [۲] امام بعد از من، پسر م موسی است و جانشینی که مورد امید و انتظار است، م ح م د بن حسن بن علی بن محمد بن علی بن موسی است.».

۲- دسته ی دوم، روایاتی هستند که نه تنها نام خاص امام مهدی (عج) را به صورت صریح ذکر نکرده اند، بل که از ذکر نام خاص آن حضرت، به شدت نهی کرده اند:

عن موسی به جعفر (علیه السلام) أنه قال عند ذکر القائم (علیه السلام): «یخفی علی الناس ولادته ولایحل لهم تسميته حتی یظهره الله عزوجل فیملأ به الأرض قسطاً وعدلاً کما ملئت جوراً و ظلماً»؛ [۳] ولادت او، از مردم پوشیده خواهد بود و بر آنان جایز نیست که نام او را ذکر کنند تا این که خداوند او را ظاهر کند و زمین را پر از قسط و عدل کند، آن گونه که پر از جور و ظلم شده بود.».

نیز یکی از توقیع های امام زمان (عج) آمده است: «هر کس در بین مردم، اسم خاص مرا ذکر کند، بر او لعنت خدا باد»؛ [۴].

در برخی از این احادیث، علت این نهی نیز ذکر شده است:

۱- نام امام مهدی (عج) ودیعه ای الهی است و پیامبر (صلی الله علیه و آله) اجازه ی ذکر آن را نداده اند [۵].

۲- شما را از تصریح به اسم آن حضرت نهی کرده ایم تا اسمش بر دشمنان ما مخفی بماند و آنان او را نشناسند. [۶]

علمای شیعه نیز با توجه به احادیث نهی، از ذکر اسم خاص آن حضرت، پرهیز کرده اند، ولی در مورد زمان و مدت این نهی، اختلاف دارند و به دو گروه تقسیم می شوند:

بزرگانی چون شیخ صدوق، شیخ مفید، علامه ی مجلسی، و... فتوا به منع ذکر نام امام مهدی (عج) تا زمان ظهور آن حضرت داده اند و از تخصیص این احادیث به دوره ی غیبت صغرا، پرهیز کرده اند. علامه ی مجلسی در بحارالأنوار بعد از ذکر برخی از احادیث نهی، می نویسد:

«این احادیث، تصریح دارد در ردّ سخن کسانی که نهی از ذکر نام خاص را مختص زمان غیبت صغرا می دانند.» [۷]

عده ای دیگر از علما، از احادیث نهی، چنین استنباط کرده اند که علت این نهی، تقیه و خوف از دشمن بود. پس اگر تقیه یا خوف نباشد، ذکر نام خاص امام مهدی (عج) هیچ منعی ندارد. مؤلف کشف الغمّه می نویسد:

عجیب است که شیخ طبرسی و شیخ مفید می گویند: «ذکر اسم و کنیه آن حضرت (عج) جایز نیست» و بعد می گویند: «اسمش، اسم پیامبر (صلی الله علیه و آله) و کنیه اش، کنیه ی پیامبر (صلی الله علیه و آله) است» و گمان می کنند که اسم و کنیه ی آن حضرت را ذکر نکرده اند! آن چه به نظر می آید، این است که منع، به خاطر تقیه و در زمان خوف بر آن حضرت و... بود و الان، چنین نیست... [۸]

با توجه به مطالب یاد شده و در جمع بندی آنها می توان گفت:

اولاً، در همه ی احادیث، تقیه و ترس از دشمن، علت نهی از ذکر نبوده و حضرت علی (علیه السلام) اسم خاص امام مهدی (علیه السلام) را ودیعه ای الهی می دانند و می فرمایند: «پیامبر (صلی الله علیه و آله) اجازه ی ذکر آن را نداده اند».

ثانیاً، حمل تمام احادیث منع بر زمان تقیه و ترس از دشمن، با توجه به تعداد زیاد آن احادیث، و نیز تصریح امام کاظم (علیه السلام) به عدم ذکر نام خاص امام مهدی (عج) تا زمان ظهور، کمی مشکل می نماید. اگر این احادیث، حرمت ذکر اسم خاص امام مهدی (عج) را تا زمان ظهور ثابت نکنند، حداقل، کراهت شدید آن را اثبات می کنند.

مرحوم آیه الله محسن امین، در جمع میان اخبار نهی و تسمیه می نویسد: «تصریح به اسم خاص، مطلقاً مکروه است، ولی ذکر نام خاص آن حضرت، صراحتهً یا با کنایه، در زمان خوف، حرام است.» [۹] بنابراین، شایسته است که با توجه به تصریح احادیث نهی، ما نیز از ذکر اسم خاص امام زمان (عج) پرهیز کنیم و از القاب آن حضرت، برای ذکر یاد و نام وی استفاده کنیم.

پی نوشتها:

[۱]. بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۷۱.

[۲]. همان، ج ۴۸، ص ۱۵.

[۳]. همان، ج ۵۱، ص ۳۲.

[۴]. بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۳.

[۵]. بحارالأنوار، ج ۵۱، ص ۳۳.

[۶]. مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۲۸۵.

[۷]. بحارالأنوار، ج ۵، ص ۳۲.

[۸]. كشف الغمه، ج ۳، ص ۳۲۶.

[۹]. المجالس السنيّة، ج ۵، ص ۶۷۸.

حضرت حجت (عجل الله تعالى فرجه الشريف) چگونه نظم دهنده عالم هستی هستند؟

پاسخ:

اگر مراد سوال کننده از نظم، نظم موجود جهان آفرینش به واسطه وجود مقدس امام زمان (عج) است که برکت‌ها و رحمت‌های الهی به خاطر او نازل می‌شود، که حضرت واسطه در فیض می‌باشند و غیبت آن امام هم مانع از فیض رسانی نمی‌باشد، چرا که وجود امام لطف است و تصرفش لطفی دیگر. و اما اگر سؤال این است که با آمدن و ظهور حضرت، چگونه جهان و عالم هستی از بی‌نظمی به در آمده و آن حضرت به آن نظم می‌بخشد. در پاسخ باید عرضه داشت: حضور حضرت و حکومت جهانی ایشان در عصر ظهور دارای ویژگی‌های منحصر به فردی است.

که با وجود آنها جامعه بشری و بی‌نظمی‌های موجود در عالم هستی اصلاح گردیده و نظم خاصی پیدا می‌کند. در ذیل اجمالاً به تعدادی از ویژگی‌های حکومت جهانی حضرت اشاره می‌شود که با جمع آنها، نظم موجود در آن هم تبیین می‌شود.

۱. خدمتگزاران و کارگزاران حکومت جهانی، از بزرگان و خوبان امت و اولیاء الهی هستند. امام صادق - علیه السلام - می‌فرمایند: «هنگامی که حضرت قائم آل محمد - صلی الله علیه و آله - قیام کند، هفده تن را از پشت کعبه زنده می‌گرداند که عبارتند از: پنج تن قوم موسی - علیه السلام - آنان که به حق قضاوت کرده و با عدالت رفتار می‌کنند، هفت نفر از اصحاب کهف، یوشع وصی موسی، مؤمن آل فرعون، سلمان فارسی، ابادجانه انصاری و مالک اشتر».[۱]

و در روایتی تعداد آنان بیست و هفت نفر گفته شده است و قوم موسی را چهارده نفر بیان می‌کند؛[۲] «یا این که از اصحاب کهف به عنوان وزیران مهدی (عج) یاد شده است».[۳]

از این روایات و احادیث هم خانواده آنها فهمیده می‌شود که بار سنگین حکومت موعود، بر دوش افرادی است که بارها آزمایش شده‌اند و شایستگی خود را در آزمایش‌های گوناگون به اثبات رسانده باشند از این رو می‌بینیم که در رأس حکومت مهدی (عج)، حضرت عیسی - علیه السلام - قرار دارد که یکی از پیامبران اولوالعزم است.

۲. مردم در این عصر از رشد معنویت و اخلاق برخوردارند. امام صادق - علیه السلام - فرموده‌اند:

هنگامی که قائم ما قیام کند، شخص شب را به صبح می‌رساند، در حالی که نادان، ترسو و بخیل است و به هنگام صبح داناترین مردم، شجاع‌ترین و بخشنده‌ترین انسان‌هاست و از دستورات امام تخلف نمی‌کند. [۴] یا این که حضرت علی - علیه السلام - می‌فرماید: هنگامی که قائم ما قیام می‌کند کینه‌های بندگان نسبت به یکدیگر از دل‌هایشان زدوده می‌گردد. [۵]

امام باقر - علیه السلام - هم می‌فرماید: هنگامی که حضرت قائم (عج) ما قیام می‌کند دستش را بر بندگان خدا می‌گذارد و خرده‌هایشان جمع کرده و اخلاقشان را کامل می‌کند.

۳. در حکومت جهانی حضرت امنیت فراگیر حاکم می‌شود. پیامبر - صلی الله علیه و آله - می‌فرماید: «... زمین را از عدالت پر می‌کند تا جایی که مردم به فطرت خویش باز می‌گردند، نه خونی به ناحق ریخته می‌شود و نه خوابیده‌ای را بیدار می‌کنند». [۶]

و امام باقر - علیه السلام - می‌فرماید: به خدا سوگند، یاران مهدی (عج) آن اندازه می‌جنگند تا خدا به یگانگی پرستیده شود و به او شرک نورزند و تا آن جا که پیرزنی سالخورده از این سوی جهان به آن سوی رهسپار شود و کسی متعرض او نشود». [۷]

۴. در عصر ظهور فقر ریشه کن می‌شود. امام صادق - علیه السلام - در این باره می‌فرماید: «... زمین گنج‌های خود را بیرون ریخته و آشکار می‌کند، به گونه‌ای که مردم با چشم خود، آن را می‌بینند و دارندگان زکات سراغ کسی می‌گردند که نیازمند باشد تا زکاتشان را به او بدهند، ولی کسی یافت نمی‌شود و مردم - از فضل و بخشش خداوند - از دیگران بی‌نیاز می‌گردند». [۸]

۵. قضاوت حضرت همانند قضاوت حضرت داود است. یعنی حضرت از انسان‌ها دلیل و شاهد نمی‌خواهد و به باطن و طبق واقع حکم می‌کند و امام صادق - علیه السلام - می‌فرماید: «دنیا به پایان نمی‌رسد مگر این که مردی از ما اهل بیت خروج کند و به شیوه داود - علیه السلام - حکم نموده و از مردم بی‌نه نمی‌خواهد». [۹]

۶. شورشی علیه دولت حضرت پای نمی‌گیرد. امام باقر - علیه السلام - می‌فرماید: «هیچ چیز نیست مگر مطیع یاران مهدی (عج) است، حتی حیوانات وحشی در زمین، و پرندگان وحشی در هوا، همه خشنودی یاران قائم (عج) را می‌خواهند، تا آن جا که بخشی از زمین به بخشی دیگر افتخار نموده و می‌گوید: امروز یکی از یاران قائم (عج) از من عبور کرد». [۱۰]

۷. حضرت مهدی (عج) از ارتشی قدرتمند برخوردار است. امام صادق - علیه السلام - می‌فرماید: «آن روز که لوط پیامبر - علیه السلام - گفت: ای کاش قدرتی می‌داشتم، یا به پناهگاهی محکم دست می‌یافتم، تمنایی جز قدرت قائم - علیه السلام - نداشت. او در آن خواهش از توان فوق العاده اصحاب مهدی (عج) یاد نمود، زیرا هر مرد آنان، قدرت چهل مرد را داراست. شمشیرها را باز نخواهند داشت تا آن که خدا را خشنود کنند». [۱۱]

آن چه که ذکر شد بعضی از امکانات و ویژگی های حکومت جهانی حضرت است و امام زمان (عج) با تکیه بر قدرت خدای توانا و چنین امکاناتی نظم عالم گیر را برقرار می کنند، زیرا از حکومتی که رهبرش مهدی فاطمه (عج) و کارگزارانش حضرت عیسی - علیه السلام - و مالک اشتر و... و اخلاق و معنویت مردم جامعه اش رشد یافته باشند و فقر ریشه کن و امنیت در درجه اعلا و قضاوت دستگاه قضائیه مطابق با حق و واقع باشد جز باران نظم و فراگیر شدن قانون و تن به مقررات دادن انتظار نمی رود.

منابع دیگر برای مطالعه بیشتر:

۱. زمینه سازان ظهور، دشتی.
۲. عصر ظهور، محمد حکیمی.
۳. مهدی تجسم امید، عزیز الله حیدری.

پی نوشت:

- [۱]. مرحوم مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۶، مؤسسه الوفاء بیروت، چ دوم.
- [۲]. محمد بن الحسن الحر العاملی، اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۷۳، ح ۷۰۷.
- [۳]. آیت الله صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، ص ۴۸۵ و طبع دوم، ناشر مکتبه الصدر.
- [۴]. نجم الدین طبرسی، چشم اندازی به حکومت مهدی (عج)، ص ۱۸۴، ناشر بوستان کتاب به نقل از وافی، ج ۲، ص ۱۱۳.
- [۵]. همان، به نقل از خصال، ج ۲، ص ۲۵۴، ح ۱۰۵۱.
- [۶]. مرحوم مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۰، چ بیروت، مؤسسه الوفاء؛ اثبات الهداء، ج ۳، ص ۵۱۴؛ طوسی، غیبه، ص ۲۷۴.
- [۷]. مرحوم مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵، چ بیروت، مؤسسه الوفاء؛ عیاشی، تفسیر، ج ۲، ص ۶۲؛ نعمانی، غیبه، ص ۱۴۹.
- [۸]. مرحوم مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۷، چ بیروت، مؤسسه الوفاء؛ مفید، الارشاد، ص ۳۶۳.
- [۹]. همان، ص ۳۱۹.
- [۱۰]. همان، ص ۳۱۹.
- [۱۱]. همان، ص ۳۲۷.

چرا به امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شریک القرآن می گوئیم و آیا این لقب را به ائمه دیگر هم می توان داد یا خیر؟

پاسخ :

پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - فرمودند: به درستی که من در میان شما دو امانت گرانها می گذارم یکی کتاب خدا و دیگر عترتم و این دو یادگار من هیچ گاه از همدیگر جدا نمی شوند، تا حوض (کوثر) به من برسند.

حدیث ثقلین از نظر سندی، از احادیث معتبر و متواتر به شمار آمده که علماء و محدثین بسیاری از شیعه و اهل سنت، در منابع خود، آنرا، با عبارات و الفاظ گوناگونی نقل نموده اند و بنابراین در این روایت جای هیچ خدشه و تردیدی باقی نمی ماند. [۱]

مفاد حدیث در بردارنده نکات مهم ذیل است:

۱. امامت که از باورها بنیادین و مسلّمات تشیع است از بعد از رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - ، به عنوان مفسّر و مبین و مؤید قرآن همواره در کنار این کتاب آسمانی قرار گرفته و با عنایت به عصمت امامت، و لزوم تبیین و تفسیر احکام قرآن، هیچ گاه از قرآن جدا نگشته است تا به حدی که امامت را قرآن ناطق نامیده اند.

۲. همراهی و همگامی عترت با قرآن فقط در تفسیر و تبیین آن نیست بلکه با توجه به نصوص بین قرآن و عترت مساوات و موازنه برقرار شده است بدین سان که این دو در تبیین احکام، برپایی قسط و عدالت در میان مردم، سازندگی های معنوی و اخلاقی و دیگر امور با هم مشارکت دارند و همان گونه که قرآن میزان القسط [۲]، موعظه [۳]، عظیم [۴]، منار حکمت [۵]، شفیع [۶]، نور [۷]، عزیز [۸] و ریسمان محکم [۹] است، اهل بیت نیز چنین می باشند.

بنابراین با عنایت به موازنه و مساوات عترت با قرآن، در صورت عدم بیان امور فوق توسط قرآن و یا صریح نبودن بیان قرآن، این مهم بر عهده اهل بیت است.

۳. با عنایت به آنکه در حدیث آمده است که: قرآن و عترت هیچ گاه از هم جدا نخواهند گشت، زمان حاضر هم، حوزه وجودی، دوازدهمین امام از رهبران معصوم - امام مهدی (عج) - می باشد. و آن حضرت هم، همراه و همگام با قرآن و در کنار قرآن است.

۴. مراد از عترت، فقط وجود اهل بیت نیست، بلکه شامل قول، فعل، تقریرهای بجای مانده از ائمه معصومین هم می باشد. که اگر چه در زمان های قبل بیان شده اند ولی همواره در کنار قرآن، بعنوان مفسّر و مبین آن می باشند.

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

همچنین شیخ مفید به نقل از سید بن طاوس می‌فرماید: امام در تبیین احکام شریک قرآن است، از آنجا که احکام الهی غیرمتناهی و کتاب خدا متناهی است، و برای مجتهد هم علم به احکام میسر نیست برای همین به امام نیاز است. [۱۰]

با این بیانات روشن می‌شود که همه امامان شریک القرآن بوده و در نتیجه این لفظ بر همه آنها اطلاق می‌شود و البته هر چند در برخی زیارتنامه‌ها، از امام حسین - علیه السلام - به شریک القرآن تصریح شده است [۱۱] ولی این تصریح دلیل بر آن نیست که اطلاق این لفظ به حضرت امام حسین - علیه السلام - اختصاص داشته باشد.

اما در این زمان، غالباً استعمال شریک القرآن بر، حضرت امام مهدی (عج) اطلاق می‌شود از آن جهت که زمان حاضر، حوزه وجودی، آن امام همام بوده و آن حضرت است که در این دنیا در کنار قرآن است.

البته می‌توانید برای کسب اطلاعات بیشتر علاوه بر منابعی که در پاورقی آمده است به منابع ذیل هم رجوع فرمائید.

۱. مهدی در حدیث ثقلین / جمعی از نویسندگان / بنیاد فرهنگی مهدی موعود (عج).

۲. قرآن و امام حسین - علیه السلام - / محسن قرائتی / مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.

پی‌نوشتها:

[۱]. ابن حجر عسقلانی می‌گوید: حدیث ثقلین با بیش از ۲۰ سند نقل شده است، صواعق المحرقة / عسقلانی / ص ۱۳۵.

مناوی می‌گوید: بیش از ۲۰ صحابه این حدیث را از پیامبر نقل نموده‌اند، فیض القدیر / ج ۳ / ص ۱۴. میر حامد حسین دانشمند بزرگ شیعه این حدیث را از ۵۰۲ کتاب که همگی به قلم دانشمندان اهل تسنن نگارش یافته، نقل کرده است. آیت الله سبحانی / پرسش‌ها و پاسخ‌ها / ص ۱۵۹ / موسسه سید الشهداء / ۱۳۶۹ و همچنین ر.ک: عباة المنوار، ج ۴-۳، ص ۲-۱۰، کنز العمال ج ۱ ص ۱۷۳. مسند احمد: ج ۳ ص ۱۴، أسد الغابه ج ۳ ص ۱۴۷، فیض القدیر ج ۳ ص ۱۹-۲۰، مستدرک: ج ۳ ص ۱۴۸، طبقات الکبری: ج ۲ ص ۱۹۴، صواعق المحرقة: ص ۱۳۶، صحیح مسلم: ج ۲ ص ۳۶۲، مجمع الزوائد: ج ۹ ص ۱۶۴، المسند الجامع: ج ۵ ص ۵۵۱.

[۲]. جامع الاحادیث شیعه، ج ۱۲، ص ۴۸۱.

[۳]. لواعیج الاشجان، ص ۲۶ - یونس / ۵۷.

[۴]. بحار ج ۹۸ ص ۲۳۹ - حجر / ۸۷.

[۵]. مفاتیح الجنان - الحیاة / ج ۲، ص ۱۲۰.

[۶]. زیارت عاشورا - نهج الفصاحة، جمله ۶۶۲.

[۷]. کامل الزیارات ص ۲۰۰ - نساء / ۱۷۴.

[۸]. لهوف ص ۵۴ - فصلت / ۴۱.

[۹]. پرتوی از عظمت حسین ص ۶ - بحار ج ۹۲ ص ۳۱.

[۱۰]. الالفین / شیخ مفید / ص ۱۹۸.

[۱۱]. بحارالانوار، ج ۹۸، ب ۲۶، ص ۳۳۶؛ همان، ص ۳۵۵؛ الاقبال / سید بن طاوس / فصل فیما نذکره

من لفظ زیارة الحسین / ص ۷۱۲ / دارالکتب الاسلامیه / ۱۳۶۷؛ البلد الامین / ابراهیم بن علی عاملی

کفعمی / چاپ سنگی / ص ۲۸۱؛ مصباح / الکفهی / ص ۴۸۱.

امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از لحاظ رفتار اجتماعی چه ویژگی هایی دارد؟

پاسخ:

امام مهدی (عج) مانند سایر فرستادگان الهی و ائمه ی معصوم (علیهم السلام) همه ی ویژگی ها و خصوصیات عالی را دارا است، لکن از لحاظ رفتار اجتماعی، بعضی خصوصیات را دارد که خداوند متعال به آن حضرت عطا کرده است:

۱- امام مهدی (عج) هیچ حکومتی را حتی از روی تقیه، به رسمیت نشناخته و نمی شناسد. او مأمور به تقیه از هیچ حاکم و سلطانی نیست و تحت سلطنت هیچ ستمگری در نیامده و در نخواهد آمد. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «قائم (علیه السلام) قیام می کند در حالی که بیعت هیچ کس را بر گردن ندارد». [۱]

۲- آن حضرت، در قضاوت، از علم الهی استفاده کرده و نیازی به بینه و شاهد ندارد و همانند حضرت داوود و سلیمان قضاوت خواهد کرد. امام باقر (علیه السلام) می فرماید: «سپس امام مهدی (عج) به منادی امر خواهد کرد تا ندا دهد که این مهدی است و همانند قضاوت داوود (علیه السلام) و سلیمان (علیه السلام) قضاوت می کند و در این امر بینه ای نمی خواهد». [۲]

۳- هر چند برخی از پیامبران و امامان، تشکیل حکومت دادند، ولی حکومت آنان فراگیر نبود، بلکه محدود به مناطق خاص و قسمت هایی از سرزمین های عالم خاکی می شد، اما امام مهدی حکومتی فراگیر تشکیل می دهد که تمام کره ی خاکی را در بر می گیرد. پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) در این مورد می فرماید: «... حکومت امام مهدی (علیه السلام) غرب و شرق را فرا می گیرد». [۳]

۴- حکومت حضرت مهدی (عج) حکومت عدل و داد است و جهان را پر از عدل و داد خواهد کرد. تقریباً، در اکثر احادیث مربوط به امام زمان (علیه السلام) آمده است که خداوند به وسیله ی آن حضرت، جهان را پر از عدل و قسط خواهد کرد. [۴]

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

۵- چون حکومت امام زمان، حکومت عدل است، همه از حکومت آن حضرت راضی خواهند بود. پیامبر(صلی الله علیه وآله) می فرماید: «در خلافت مهدی(علیه السلام) اهل زمین و اهل آسمان راضی خواهند بود.» [۵]

پی نوشت:

[۱]. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۹.

[۲]. مستدرک الوسائل، ج ۱۷، ص ۳۶۵.

[۳]. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۱.

[۴]. همان، ج ۵۱، ص ۷۳.

[۵]. همان، ج ۵۱، ص ۸۰.

خصوصیات ظاهری امام عصر(عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بیان و نحوه برخورد ایشان با کفار چگونه است؟

پاسخ:

در مورد خصوصیات ظاهری حضرت مهدی (عج) می توان به چند روایت استناد کرد: امام رضا - علیه السلام - می فرماید: «نشانه و علامت قائم این است که سن حضرت زیاد است ولی از نظر چهره جوان می نماید؛ به گونه ای که اگر کسی به او نظر کند، می پندارد او در سن چهل سالگی یا کمتر است. نشانه دیگرش این که گذشت روزگار او را پیر نمی کند تا زمانی که اجلش فرا رسد» [۱].

و پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - فرمودند: او از فرزندان من است، اندامش چونان مردان بنی اسرائیل سخت و ستر است، به هنگامی سختی و گرفتاری امت من قیام می کند، رنگ چهره اش به عرب ها شباهت دارد، قیافه اش چون مرد چهل ساله می نماید و [۲]

بنابراین امام از نظر سنی به جوانی ۳۰ - ۴۰ ساله می نماید اگرچه عمر او بسیار طولانی است. اما در مورد مشخصات بدنی آن حضرت به دو روایت اشاره می شود ابوبصیر می گوید: به امام صادق - علیه السلام - عرض کردم: از پدر شما شنیده ام که امام زمان سینه ای گشاده و کتف هایی باز و عریض دارد امام فرمود: ای ابا محمد! پدرم زره پیامبر را پوشید ولی برایش بلند بود، به طوری که بر زمین می رسید، من نیز آنرا پوشیدم ولی بر قامتم بلند بود، ولی آن زره بر قامت حضرت قائم چنان مناسب و اندازه است که بر بدن رسول خدا اندازه بود و قسمت پایین آن زره کوتاه است به طوریکه هر بیننده گمان می کند اطراف آن را گره زده اند» [۳]

اما در مورد سایر خصوصیات این امام بزرگوار همانند کمالات اخلاقی، زهد، و ... روایات متعددی است که در این نوشتار مجال پرداختن به آنها نیست.

نحوه برخورد حضرت با کفار تردیدی نیست در اینکه حضرت اما زمان (عج) همانند جدّ بزرگوارش ابتدا با الفت و مهربانی راه تبلیغ و دعوت را پیش می گیرد و با کفار اتمام حجت می کند و چنانچه پذیرند و گردنکشی کنند با قاطعیت تمام با آنان برخورد می نماید.

امام باقر - علیه السلام - می فرماید: «هنگامی که قائم قیام کند، بر یک یک ناصبیان ایمان را عرضه می کند، اگر به حقیقت آنرا بپذیرند، آنان را رها می سازد و گرنه هر کس که ایمان را نپذیرفت، گردنش را می زند یا از او جزیه می گیرد - چنان که امروز از اهل ذمه می گیرند - و او را به روستاها و آبادی های دور تبعید می کند.» [۴]

اما در مورد برخورد حضرت مهدی (عج) با اهل کتاب - که آنها نیز کافر هستند - روایات متعددی است که به یکی از آنها اشاره می شود.

عبدالله بن کلیر از امام کاظم - علیه السلام - درباره تفسیر آیه «و له اسلم من فی السموات و الارض طوعاً و کرهاً» هر کس که در آسمان و زمین است چه از روی اختیار یا اجبار مطیع فرمان خداست» سؤال کرد:

امام فرمود: این آیه درباره قائم فرود آمده است، هنگامی که علیه یهود، نصاری صائبان، مادی گرایان و برگشتگان از اسلام و کافران در شرق و غرب کره زمین قیام می کند و اسلام را به آنان پیشنهاد می کند هر کس از روی میل پذیرفت دستور می دهد که نماز بخواند و زکات بدهد و بر طبق آن چه فرد مسلمان مأمور به انجام آن است رفتار نماید و هر کس مسلمان نشود، گردنش را می زند تا آنکه در شرق و غرب جهان یک کافر بر جای نماند.» [۵]

بنابراین با توجه به رأی مشهور و با عنایت به روایات متعدد امام بزرگوار در آغاز راه مسالمت را پیش می گیرند و اسلام را ارائه می کنند و چنانچه بپذیرند با آنان برخورد قاطع خواهد شد. البته فرضیه دیگری هست و آن اینکه اگر اهل کتاب اسلام را نپذیرند بایستی جزیه پرداخت کرده و یا تبعید شوند که این فرضیه هم طرفدارانی دارد.

منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. چشم اندازی بر حکومت حضرت مهدی، نجم الدین طوسی.
۲. فصلنامه انتظار، سال چهارم، شماره ۱۱ و ۱۲، مقاله آقای آیتی، ص ۳۶۰، اهل کتاب در دولت مهدی.

حدیث: امام صادق - علیه السلام - : برای ما دولتی است که خداوند هر وقتی بخواهد آن را می آورد، هر کسی که دوست دارد از اصحاب قائم باشد باید منتظر باشد. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰

پی نوشت:

- [۱]. غیبت نعمانی، ص ۱۸۸، و بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۷.
- [۲]. ابن طاووس، الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر، مؤسسه اعلمی بیروت.
- [۳]. اثبات الهدات، حرّ عاملی، ج ۳، ص ۴۴۰ و ۵۲۰، چاپ علمیه قم.
- [۴]. الکافی، کلینی، ج ۸، ص ۲۲۸، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۷۵، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- [۵]. تفسیر نور الثقلین، ج اول، ص ۳۶۲، چاپخانه علمیه، قم. عبد علی بن جمعه العروسی.

آیا امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) معجزه ای دارد؟

پاسخ :

قبل از پاسخ به این سؤال، لازم است که اشاره ای هر چند مختصر، به معنا و تعریف معجزه داشته باشیم. محقق خویی، در تعریف معجزه می نویسد:

معجزه، در اصطلاح، این است که مدعی منصبی از مناصب الهی، برای اثبات صحت ادعایش، کاری را انجام دهد که خارق قوانین طبیعی است و دیگران از انجام دادن آن عاجزند.[۱]

چون خداوند، بعد از خاتم انبیا حضرت محمد(صلی الله علیه وآله) امامان معصوم(علیهم السلام) را مجریان شریعت و جانشینان طریقت آن حضرت و حجت خویش در روی زمین قرار داده تا راه هدایت را بر مردم هموار کنند و از آن جا که همواره در طول تاریخ، مدعیان دروغین نبوت و امامت، واقعیت را بر مردم مشتبه می کردند و مردم را به گمراهی و ضلالت می کشاندند، لازم است که راهی برای شناخت امام و حجت، قرار داده شود. این راه و علامت، همان است که در اصطلاح متکلمان، «معجزه» خوانده می شود و در اصطلاح قرآن، «بینه» و «آیه» نامیده می شود. خداوند می فرماید: (لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ...)؛[۲] ما، رسولان خود را با دلائل روشن (معجزه) فرستادیم و با آنان، کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند.

در روایتی از امام صادق(علیه السلام) درباره ی علت اعطای معجزه از سوی خداوند، سوال شد. حضرت، در جواب فرمودند: «معجزه، علامتی است از طرف خداوند که آن را فقط به انبیا و رسل و امامان اعطا می کند تا صدق آنان از دورغ دروغگو شناخته شود.» [۳] حال، با توجه به این که جمیع مسلمانان، به جواز کرامت اولیای خدا عقیده دارند - چنان که تفتازانی می گوید: «جمهور مسلمانان، به جواز کرامت اولیای خدا معتقد هستند»[۴] - پس انجام دادن معجزات و کرامات از سوی امامان معصوم(علیه السلام) - و از جمله امام زمان (عج) - که حجت های خداوند بر روی زمین و وارثان زمین هستند، امر عجیبی نیست. با مراجعه به کتاب های تاریخی و روایی و ورق

زدن صفحات آن، مشاهده می کنیم که معجزات و کرامات فراوانی از سوی آنان به وقوع پیوسته است. بعد از این مقدمه باید گفت، معجزات آن حضرت، دو دسته است: الف) معجزاتی که آن حضرت در دوران تولد و کودکی و غیبت، انجام داده اند. ۱- تولد بدون ظاهر شدن آثار حمل از امام حسن عسکری (علیه السلام) نقل شده که به حکیمه (دختر امام جواد (علیه السلام)) فرمود: «امشب، به خانه ی ما بیا؛ زیرا، امر مهمی رخ خواهد داد». حکیمه پرسید: «چه اتفاقی؟». امام (علیه السلام) فرمود: «قائم آل محمد امشب به دنیا خواهد آمد». حکیمه پرسید: «از چه کسی؟». امام (علیه السلام) فرمود: «از نرجس».

حکیمه می گوید: «به نزد نرجس رفتم و به او، فرزند بزرگواری را بشارت دادم، در حالی که هیچ اثر حملی در او مشاهده نکردم» [۵].

چنین معجزه ای، در مورد حضرت موسی (علیه السلام) هم بیان شده است. در مادر او، یوکابد، هیچ آثار حملی ظاهر نبود [۶] و تا روزی که موسی (علیه السلام) به دنیا آمد، کسی نفهمید که او حامله است. ۲- قرآن خواندن در بدو تولد هنگامی که امام مهدی (عج) از مادر تولد شد، ایشان را به امام حسن عسکری (علیه السلام) دادند. آن حضرت، وی را در آغوش گرفت و فرمود: «قرآن بخوان». امام مهدی (عج) شروع به قرآن خواندن کرد. [۷]

۳- شفای مریض لاعلاج محمد بن یوسف نقل می کند، به مرضی دچار شدم که پزشکان از علاج آن ناامید شدند. نامه ای به حضرت امام مهدی (عج) نوشتم و از آن حضرت، طلب شفا کردم. ایشان در جواب نوشتند: «ألبسك الله العافیه؛ خداوند، بر تو لباس عافیت پوشاند». مدتی نگذشت که شفا پیدا کردم و وقتی پزشکان از این ماجرا مطلع شدند، گفتند: «این شفا و عافیت، به یقین، از جانب خداوند بوده است» [۸].

۴- طلا شدن سنگریزه یکی از اهالی مدائن می گوید: به همراه رفیقم، به حج می رفتیم. در نزدیکی موقف، فقیری به سوی ما آمد. ما به او جواب رد دادیم. سپس به سوی جوانی خوش سیما که ردایی پوشیده بود رفت. او، سنگی از روی زمین برداشت و به فقیر داد. شخص فقیر، مدت زیادی در حق او دعا می کرد. در این هنگام، آن جوان غائب شد. ما به نزد مرد فقیر رفتیم و گفتیم: «وای بر تو! آیا برای گرفتن یک سنگ، این قدر دعا می کنی؟» که ناگهان در دست او سنگی از طلا دیدیم که در حدود بیست مثقال می شد. وقتی در مورد آن جوان از اهل مکه و مدینه سوال کردیم، گفتند: «چنین شخصی از علویان است و هر سال با پای پیاده به حج می آید» [۹].

۵- خبر دادن از غیب از پسر مهزیار نقل شده که در سفری با کشتی همراه پدرم بودم و مال زیادی به همراه او بود. پدرم، دچار بیماری سختی شد و گفت: «من، در حال مردن هستم». و در مورد آن اموال، وصیت کرد که آن ها را به امام زمان (عج) بدهم. از این وصیت تعجب کردم، ولی مطمئن بودم

که پدرم بیهوده سخن نمی گوید. با خود گفتم: «اگر امر برایم روشن شد، مانند دوران امام حسن عسکری(علیه السلام) به وصیت عمل می کنم و الا آن را صدقه می دهم». مدتی در عراق بودم تا این که فرستاده ای از جانب امام زمان (عج) آمد و مشخصات مال و محل مخفی کردن آن را گفت و حتی بعضی از مشخصاتی را که خودم هم نمی دانستم، بیان کرد و من هم مال را به او دادم. [۱۰]

ب) معجزاتی که امام مهدی (عج) به هنگام ظهور انجام خواهد داد. امام صادق(علیه السلام) می فرماید: «هیچ معجزه ای از معجزات انبیا نیست مگر این که خداوند آن را به دست حضرت قائم (عج) برای اتمام حجت، بر دشمنان ظاهر خواهد کرد». [۱۱] بنابراین، معجزات آن حضرت به دوره ی قبل از غیبت و غیبت، ختم نمی شود و به هنگام ظهور نیز آن حضرت برای معرفی حقایق خویش و اتمام حجت بر دشمنان و منکران، معجزاتی را انجام خواهند داد.

پی نوشت:

[۱]. آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، ص ۳، (به نقل از: ایضاح المراد فی شرح کشف المراد، ص ۳۴۵، ربائی گلپایگانی).

[۲]. الحديد: ۲۵.

[۳]. بحار الأنوار، ج ۱۱، ص ۷۱.

[۴]. الإلهیات من شرح المواقف، تحقیق علی ربانی گلپایگانی، ص ۱۳۲.

[۵]. مدینه المعاجز، سیدهاشم بحرانی، ج ۸، ص ۱۰ و ۲۶، مؤسسه ی معارف اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۶ هـ.ق.

[۶]. قصص قرآن یا تاریخ انبیاء، هاشم رسولی محلاتی، ج ۲، ص ۴۶، انتشارات علمیه ی اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۰۷ هـ.ق.

[۷]. تبصرة الولی، سیدهاشم بحرانی، ج ۱۸.

[۸]. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۹۷؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۵۱۹.

[۹]. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۳۲؛ مدینه المعاجز، ج ۸، ص ۷۱.

[۱۰]. الغیبه، شیخ طوسی، ص ۲۸۲، مؤسسه ی معارف اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۱.

[۱۱]. منتخب الأثر فی الإمام الثانی عشر، لطف الله صافی، ص ۳۱۲، مکتبه الصدر، چاپ سوم.

معنی «عدمه منّا» و آیه «امن یوجیب...» چیست؟ امام زمان (عج) هم کنیه چه کسی بوده و اولین کسی که در مورد تصویر امام سخن گفت کیست و نویسنده کتاب منتخب الاثر چه کسی است؟

پاسخ:

معنی «عدمه منّا» یکی از مباحثی که در بحث امامت مطرح است اینکه وجود امام لطف و رحمتی است از طرف پروردگار بخاطر اینکه امام فردی کامل و صالحی است که از طرف خداوند به تدبیر شؤونات انسانها می پردازد، اقامه عدل می کند، رفع ظلم و ظالم می کند، و شریعت و دین را از تحریف و زیادی و نقصان حفظ کرده و شبهات موجود در دین را ازاله نموده و تفسیر واقعی قرآن را عهده دار می باشد و الطاف دیگری که از وجود پربرکت امام حاصل می شود. پس وجود چنین نعمتی در میان بندگان خدا واقعاً لطف بسیار بزرگی از طرف پروردگار متعال می باشد. حال سؤالی که مطرح است اینکه هیچ شکی در این نیست که وجود امام واقعاً لطف بزرگی است وقتی که در میان مردم باشد و در امورات آنها تصرف بکند اما اگر این امام ظاهر نباشد و نتواند در امورات تصرف کند مردم از درک امام محروم باشند این وجود چه لطفی در حق بندگان دارد؟ (مثل امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) جواب این پرسش بسیار واضح است چون وجود امام یک لطف است و تصرف او در امورات مسلمین هم یک لطف است و ظهور و آشکار بودن آن لطفی دیگر است. پس ما بخاطر بعضی از جهات از لطف تصرف در امورات و یا ظهور امام محروم هستیم ولی از جهات دیگر از این نعمت استفاده می کنیم.

از این رو حکیم توانا محمدمهدی نراقی در جواب این پرسش می گوید: همانا ظهور امام عصر (عج) و تصرف او در امورات مردم فائده ای از فوائد وجودی آن حضرت می باشد چون فوائد وجودی آن حضرت بی شمار می باشد. [۱]

محقق طوسی در متن تجرید الاعتقاد در این مورد می گوید: «وجوده لطف، و تصرفه لطف آخر، وعدمه منّا» [۲] یعنی وجود امام در میان مردم نعمت و رحمت بزرگی است و تصرف امام در امورات مردم نعمتی دیگر است و «وعدمه منّا» یعنی عدم تصرف و یا ظهور امام در پرده بودن آن هم از طرف و ناحیه مردم می باشد. اینکه مردم نمی توانند از آثار و برکات وجودی امام استفاده بکنند بخاطر بعضی اعمال خودشان می باشد که باعث عدم تصرف در امورات آنها و یا غیبت امام از نظرها شده است. خواجه نصیرالدین طوسی در این مورد می گوید: «غیبت و عدم حضور حضرت مهدی - علیه السلام - از طرف خداوند نیست و از طرف خود امام هم نیست بلکه از طرف مکلفین و مردم می باشد از خوف و ترس اینکه مردم از او اطاعت نکنند می باشد و وقتی موانع غیبت از طرف مردم از بین رفت ظهور واقع می شود.» [۳]

معنی آیه «امن یجیب المضطر اذا دعاه و یكشف السوء» این دعا در آیه ۶۲ سوره نمل می باشد و معنی آن این است که «(آیا بتهای بی ارزش بهترند) یا کسی که دعای مضطر و درمانده را به اجابت می رساند و گرفتاری و بلا را برطرف می کند؟»

آری در آن هنگام که تمام درهای عالم به روی انسان بسته می شود و از هر نظر درمانده و مضطر می گردد، تنها کسی که می تواند قفل مشکلات را بگشاید و نور امید در دلها بپاشد، تنها ذات پاک خداوند است.

جالب اینکه در بعضی از روایات این آیه تفسیر به قیام حضرت مهدی - علیه السلام - شده. در روایتی از امام صادق - علیه السلام - چنین آمده «این آیه در مورد مهدی نازل شده، به خدا سوگند مضطر او است، هنگامی که در مقام ابراهیم دو رکعت نماز بجا می آورد و دست به درگاه خداوند متعال بر می دارد دعای او را اجابت می کند و ناراحتی ها را برطرف می سازد...» [۴]

اما اینکه امام هم کنیه چه کسی است؟

در مورد هم کنیه حضرت مهدی - علیه السلام - حدیثی از پیامبر - صلی الله علیه و آله - وارد شده است که می فرمایند: «مهدی از فرزندان من است، اسم او اسم من است و کنیه او کنیه من است و شبیه ترین مردم به من است از نظر خلق و خوی...» [۵] پس طبق این حدیث نام حضرت مهدی همان نام پیامبر است و کنیه او همان کنیه پیامبر - صلی الله علیه و آله - می باشد.

در مورد تصویر امام زمان اگر منظورتان همان عکس و فیلم می باشد باید بگوئیم که هیچ تصویر و فیلمی از آن حضرت موجود نمی باشد و اگر منظورتان مطلب دیگری است لطفاً واضحتر بیان بفرمائید. برای آگاهی بیشتر در مورد امام زمان - علیه السلام - به کتاب ارزشمند «منتخب الاثر» نوشته آیه الله صافی گلپایگانی مراجعه بفرمائید. این کتاب به زبان عربی است و حاوی مطالب بسیار مفیدی و متقن در مورد حالات امام زمان - علیه السلام - می باشد که در ده فصل و ۶۵۵ صفحه توسط انتشارات حضرت معصومه به چاپ رسیده است.

پی نوشت:

[۱]. سیدمحسن خرازی، بدایه المعارف، مؤسسه نشر الاسلامی، ج ۲، ص ۲۷.

[۲]. طوسی، شرح تجرید الاعقاید، انتشارات حدیث، ص ۳۶۲.

[۳]. سیدمحسن خرازی، همان، ص ۱۴۸، به نقل از رساله الامامه، فصل ۳، ص ۲۵.

[۴]. تفسیر نورالثقلین، ج ۴، ص ۹۴.

[۵]. صافی گلپایگانی، منتخب الاثر، انتشارات حضرت معصومه، ص ۲۳۶.

حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) چگونه رابطه عالم غیب و طبیعت هستند و چگونه فیض الهی را از خداوند دریافت و به تمام موجودات می‌رسانند؟

پاسخ:

امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به دو گونه بر مردم فیض رسانده و واسطه بین عالم غیب و عالم طبیعت است.

۱. فیض تکوینی حضرت حجت (عج) به عنوان یکی از چهارده معصوم علت غایی آفرینش انسان و هستی است، و حدیث معروف «لولاک لما خلقت الأفلاک» [۱]؛ اگر تو نبودی افلاک را نمی‌آفریدم، بر این مطلب دلالت می‌کند. و غایب بودن امام عصر (عج) هم نمی‌تواند مانع از این فیض تکوینی شود. زیرا وجود مقدس امام زمان (عج) واسطه و شرط در فیض رسانی است نه ظهور او. [۲]

۲. فیض‌های تشریعی

الف. «احکام ولایی»؛ حضرت مهدی (عج) گاهی به واسطه افراد خاص در مسائل مهم، حکم نهایی را بیان فرموده‌اند و گاه بی‌واسطه حکم و اختلافی را برطرف کرده‌اند و این گونه احکام، در عصر غیبت صغری نمونه‌های زیادی دارد به عنوان مثال، مرحوم صدوق نقل می‌کند که: «امام زمان (عج) بر جعفر کذاب، هنگامی که به ناحق، ادعای میراث امام حسن عسکری - علیه السلام - کرد، از مکان مجهولی ظاهر شد و فرمود: «ای جعفر! چرا می‌خواهی حق مرا ببری؟! جعفر متحیر و مبهوت ماند. آن گاه حضرت مهدی (عج) غایب شد. جعفر پس از آن، هر چه در میان مردم گشت، آن حضرت را نیافت تا آن که مادر حضرت امام حسن عسکری - علیه السلام - از دنیا رفت و وصیت کرده بود در خانه امام حسن - علیه السلام - دفن شود. جعفر، مانع شد و گفت: «نباید در این خانه دفن شود». این جا نیز حضرت بر او ظاهر شد و فرمود: «ای جعفر! آیا این خانه تو است؟ پس غایب شد و دیگر دیده نشد». [۳]

ب. حضرت به صالحان و پیروانش نظر لطف دارند و می‌فرمایند: ما نظر خود را از شما بر نمی‌گیریم (که به حال خود رها شوید)، و فراموش تان نمی‌کنیم. [۴]

ج. حضرت مهدی (عج) در عصر غیبت صغری و کبری، مهدی باوران را از هدایت‌های عمومی و خصوصی خود بی‌بهره نکرده است. [۵]

ح. وجود شریف امام عصر (عج) و انتظار ظهورش مایه امیدواری مسلمانان است و این امیدواری یکی از بزرگترین اسباب موفقیت و پیشرفت در هدف می‌باشد. [۶]

در تأکید و تأیید مطالب فوق می‌توان روایات ذیل را بیان نمود.

۱. امام باقر - علیه السلام - فرمودند: «به خدا قسم خداوند از زمانی که آدم را قبض روح فرموده، زمین خود را تاکنون رها نکرده است مگر این که در روی آن امامی بوده که به وسیله او هدایت به سوی

خدا انجام می گرفته است، و او حجت خدا بر بندگانش بوده، و پس از این هم زمین بدون امامی که حجت خدا برای بندگان اوست باقی نمی ماند.» [۷]

۲. امام صادق - علیه السلام - فرمودند: «اگر زمین بدون امام بماند حتما فرو خواهد رفت.» [۸]
۳. پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمودند: «ستارگان برای اهل آسمان امان هستند و اگر ستارگان از بین بروند، اهل آسمان هم از بین می روند، و خاندان من هم امان اهل زمینند، پس اگر اهل بیت بروند، اهل زمین نیز از بین می روند.» [۹]

۴. امام صادق - علیه السلام - فرمودند: «خدا ما را به نیکوترین خلقت آفرید و در آسمان و زمین خزانه دار علوم خویش قرار داد... و اگر ما نبودیم خدا عبادت نمی شد.» [۱۰]
۵. امام عصر (عج) می فرمایند: «امامان از خدا درخواست می کنند، و او می آفریند و روزی می دهد و این اجابت درخواست به خاطر تعظیم حق و شأن امامان است.» [۱۱]

گفتنی است از این روایات و احادیث دیگر استفاده می شود که وجود مقدس امام، غایت نوع و فرد کامل انسانیت و رابطه میان عالم مادی و عالم ربوبی است و اگر امام نباشد، رابطه بین عالم مادی و دستگاه آفرینش منقطع می گردد. «قلب مقدس امام به منزله ترانسفورماتوری است که برق کارخانه را به هزاران لامپ می رساند. اشراقات و افاضات عالم های غیبی، اولاً بر آینه پاک قلب امام و به وسیله او بر دل های سایر افراد نازل می گردد. امام قلب عالم وجود و رهبر و مربی نوع انسان است و معلوم است که حضور و غیبت او، در تربیت این آثار تفاوتی ندارد.

سلیمان می گوید: مردم چگونه از وجود امام غایب منتفع می شوند؟ فرمودند: همان طور که از خورشید پشت ابر انتفاع می برند.

در این حدیث و چندین حدیث دیگر، وجود مقدس صاحب الامر و انتفاع مردم از وی تشبیه به خورشید پشت ابر و انتفاع مردم از آن. وجه تشبیه از این قرار است. در علوم طبیعی و فلکیات ثابت شده است که خورشید مرکز منظومه شمسی است، جاذبه اش حافظ زمین و آن را از سقوط نگه می دارد، زمین را به دور خود چرخانده، شب و روز و فصول مختلف را ایجاد می کند، حرارتش سبب حیات و زندگی حیوانات و گیاهان و انسان است و نورش روشنی بخش زمین است. در ترتیب این آثار بین این که ظاهر باشد یا پشت ابر، تفاوتی وجود ندارد گرچه کم و بیش دارد.

وجود مقدس امام هم خورشید و قلب انسانیت و مربی و هادی تکوینی است و در ترتیب این آثار، بین حضور و غیبت او تفاوتی نیست. [۱۲]

«اما این که امام واسطه فیض است، چون فرد کاملی است که به تمام عقاید حقه عقیده مند است و از اشتباه و خطا و عصیان معصوم است و به واسطه علم و عمل تمام کمالات ممکنه انسانی در وی به فعلیت رسیده است.» [۱۳]

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

حضرت صادق - علیه السلام - در این باره می‌فرمایند: «خداوند ما را به نیکوترین خلقت آفرید و در آسمان و زمین خزانه دار علوم خویش قرار داد... و اگر ما نبودیم خدا عبادت نمی‌شد».[۱۴]

امام عصر (عج) فرمود: «امامان از خداوند تعالی درخواست می‌کنند و خداوند به خاطر تعظیم حق ایشان، می‌آفریند و روزی می‌دهد».[۱۵]

برای مطالعه بیشتر به کتاب‌های مکیال المکارم، ج ۱، مناظرات امامت و رهبری، ج ۳ و داد گستر جهان مراجعه بفرمایید.

پی نوشت:

- [۱]. علم الیقین، ۱ / ۳۸۱ فی صفات الامام.
- [۲]. دلیل بر این مطلب روایاتی است که در صفحه‌های بعدی ذکر شده است.
- [۳]. انتظار، ش ۵، ص ۳۰۶، به نقل اکمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۲.
- [۴]. سید محمد تقی موسوی، مکیال المکارم، ج ۱ در صفحه‌های نخستین.
- [۵]. به کتاب «عنايات حضرت مهدی (عج)»، نوشته محمد رضا اصفهانی، به علما و طلاب و کتاب کمال الدین صدوق، ج ۲ مراجعه شود.
- [۶]. داد گستر جهان، ص ۱۵۷.
- [۷]. النعمانی، غیبت، ترجمه محمد جواد غفاری، نشر صدوق، ص ۱۹۳، حدیث ۷.
- [۸]. همان.
- [۹]. داد گستر جهان، ص ۸۱، به نقل از تذکره الخواص و نیز از کتاب کمال الدین، ج ۲۰، ص ۲۰۵ نقل شده است.
- [۱۰]. داد گستر جهان، به نقل از اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶۸.
- [۱۱]. مکیال المکارم، ج ۱، ص ۹۰، به نقل از الاحتجاج، ۲ / ۲۸۴.
- [۱۲]. ابراهیم امینی، داد گستر جهان، ناشر: انتشارات شفق، چ قدس، نوبت چاپ ۲۵، ۱۳۸۱، ص ۱۵۵.
- [۱۳]. داد گستر جهان، ص ۷۸.
- [۱۴]. داد گستر جهان، به نقل از اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶۸.
- [۱۵]. سید محمد تقی موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۱، چ نگین، مترجم سید مهدی حایری، ص ۹۰.

علما چگونه توانسته اند خصوصیات ظاهری حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) را بدانند؟

پاسخ :

ویژگی هایی که دانشمندان درباره امام مهدی - علیه السلام - برشمرده اند ریشه در احادیثی دارد که از پیشوایان معصوم - علیهم السلام - رسیده است.

امامان معصوم - علیهم السلام - برای اینکه تشخیص امام مهدی واقعی از مدعیان دروغین مهدویت آسان تر باشد - و به دلایل دیگری - خصوصیات ظاهری امام مهدی - علیه السلام - را برای مسلمانان بازگو کرده اند. از جمله امام علی - علیه السلام - در این خصوص فرموده اند: مهدی - علیه السلام - جوان و چهارشانه است، او زیارو و زیامو است و نور صورتش بر سیاهی موهای سر و محاسنش غلبه دارد.[۱]

برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به فصلنامه انتظار، شماره ۵، مقاله جمال یار، نوشته جواد جعفری. امام صادق - علیه السلام - فرمود: برای ما دولتی است که خداوند هر وقت بخواهد آن را می آورد، هر کس دوست دارد از اصحاب قائم ما باشد باید منتظر باشد. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰

پی نوشت:

[۱]. بحارالانوار، محمدباقر مجلسی، ج ۵۱، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳، چاپ دوم، ص ۳۶.

چه راه هایی برای شناختن مهدی نمایان وجود دارد؟

پاسخ :

همان گونه که گذشت، اعتقاد به مهدویت، از زمان پیامبر (صلی الله علیه وآله) رواج داشته و تقریباً بعد از واقعه ی کربلا و شهادت امام حسین (علیه السلام) ادعای مهدویت نیز آغاز شد و برخی از مردم بعد از وفات محمد حنیفه، او را مهدی دانستند و بعدها نیز عده ای خود را مهدی نامیدند و ادعای مهدویت کرده اند... برای این که ما مهدی نمایان را تشخیص دهیم، لازم است شناخت کامل از امام زمان (علیه السلام) داشته باشیم. در روایات ما آمده است که زراره بن اعین از امام صادق (علیه السلام) سؤال کرد: «در زمان، غیبت امام زمان (علیه السلام) امام را چه گونه از امامان بدلی تشخیص دهیم؟». امام (علیه السلام) فرمود: «این دعا را یاد بگیرد و تکرار کن: (اللهم عَرِّفْنِي لِنَفْسِكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا تَعْرِفْنِي نَفْسَكَ لَمْ أَعْرِفْ نَبِيَّكَ. اللَّهُمَّ! عَرِّفْنِي رَسُولَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا تَعْرِفْنِي رَسُولَكَ لَمْ أَعْرِفْ حَجَّتَكَ. اللَّهُمَّ! عَرِّفْنِي حَجَّتَكَ فَإِنَّكَ إِنَّمَا تَعْرِفْنِي حَجَّتَكَ ضَلَلْتُ عَنْ دِينِي)».[۱]

بنابراین، بر ما لازم است که امام زمان (علیه السلام) را از چند جهت شناسایی کنیم، هم شناسنامه ای و هم اعتقادی و قلبی. روایات ما، به همه ی این ها اشاره کرده اند و فرموده اند: «امام زمان (علیه السلام)

از بنی هاشم و از اولاد فاطمه (علیه السلام) و از سلاله ی سیدالشهداء امام حسین (علیه السلام) و نام پدرش حسن و خودش همانم پیامبر (صلی الله علیه وآله) و... است، و بعد هم خصوصیات شخصی و جسمی امام دوازدهم (علیه السلام) را بیان فرموده اند و گفته اند: او، شبیه ترین مردم به پیامبر (صلی الله علیه وآله) است؛ پیشانی حضرت فراخ و سفید و تابان و اثر سجده در آن آشکار است؛ ابروهای حضرت، به هم پیوسته است؛ چشم حضرت، سیاه و سرمه گون است؛ در طرف راست صورت، خالی وجود دارد؛ [۲] هنگام ظهور، با شمشیر قیام می کند؛ از ایشان، کرامت های بی شماری ظهور می کند. برای ظهور نیز علائمی حتمی و غیرحتمی بیان کرده اند، ندای آسمانی، خروج سفیانی، خروج خراسانی، قتل نفس زکیه، فرو رفتن لشکر سفیانی در بیابانی ما بین مکه و مدینه [۳] و... از جمله ی آن علائم است.

از طرفی، انسان باید آن قدر قدرت تشخیص داشته باشد تا بتواند امام مهدی (علیه السلام) را با اوصافی که بعضی از آن ها ذکر شد، از مهدی نمایان تمیز دهد، چون، بدیهی است که در هر زمان، برخی عناصر فرصت طلب، از موضوع مهدویت سوء استفاده می کنند، چنان که مدعیان الوهیت یا نبوت یا سایر مقامات معنوی، در دنیا کم نبوده اند، ولی این ها، هرگز، دلیل بر این نمی شود که منکر اصل وجود خدا و نبوت انبیا و مهدویت شویم. از این رو، دانایان و اهل تشخیص، از پیامبران درخواست معجزه می کردند. به همین دلیل مشاهده می کنیم که برای شناخت امام بعدی، امام هر عصری، برای اصحاب خود، علائمی از امام پسین را نشان می دادند تا در مسئله، شکی باقی نماند و آنان بتوانند امام بعد را به صورت واضح، شناسایی کنند.

پی نوشت:

[۱]. کمال الدین و إتمام النعمه، ج ۲، ص ۳۴۲. خدایا! خودت را به من بشناسان که اگر تو، خودت را به من شناسانی، پیامبرت را نمی شناسم. خدایا پیامبرت را به من بشناسان که اگر پیامبرت را شناسانی، حجت تو را نخواهم شناخت. خدایا! حجت و امام زمان را به من بشناسان که اگر امامت را شناسانی، در دینم گمراه خواهم شد.

[۲]. منتهی الآمال، ص ۲۸۹.

[۳]. منتهی الآمال، شیخ عباس قمی؛ مهدی موعود، در این کتاب بیش از چهارصد مورد، علامت ذکر شده است.

چرا با آغاز دوره ی استعمار، ادعای دورغین مهدویت زیاد شد؟

پاسخ :

بعد از آغاز غیبت صغرا، عدّه ای، به خیال کسب مال و مقام، شروع به ادّعای نیابت و باییت حضرت مهدی (عج) کردند و افرادی مانند شریعی، شلمغانی، نمیری، کرخی، حلاج، ابن ابی العزافر و... خود را نایب و باب امام زمان (علیه السلام) نامیدند و بعد از اندک مدّتی، کم کم، ترقی کردند، خود را امام و حتّی پیامبر خواندند.[۱]

ادّعای نیابت و حتّی ادّعای مهدویت که برای رسیدن به مال و مقام دنیوی و فریب دادن مردم ساده دل بود، بعد از آغاز غیبت کبرا نیز ادامه یافت و عدّه ای با فریب مردم، مدّتی به فتنه انگیزی پرداختند و بعد از بین رفتن تا این که نوبت به استعمار رسید. دولت های استعماری که در طول جنگ های صلیبی، طعم شکست را چشیده بودند، بعد از آغاز رنسانس و آغاز نفوذ به کشورهای آفریقایی و آسیایی، به این نتیجه رسیدند که برای نفوذ در کشورهای اسلامی، چاره ای جز ایجاد اختلاف های دینی ندارند. همفر (جاسوس انگلیسی) به هنگام توضیح موادّ موافقت نامه ی مقامات بلند پایه ی وزارت مستعمرات بریتانیا برای شکست و نابودی اسلام، به چهارده بند از آن اشاره می کند. در بند ششم چنین آمده است: تبلیغ عقاید و مذاهب من درآوردی و ساختگی در مناطق اسلامی با برنامه ریزی آگاهانه و منظم به گونه ای که تبلیغ پس از ارزیابی زمینه های مساعد فکری در اقشار مردم صورت گیرد... و اختلافات و منازعات شدیدی بین این فرقه ها بر پا گردد تا بدان جا که هر فرقه ای خود را مسلمان واقعی و دیگران را مرتد و کافر و واجب القتل پندارد.[۲]

استعمار غرب، روش های گوناگونی را برای تحقق این اهداف، درپیش گرفت. یکی از آن ها، روشی بود که در یک برهه از زمان، مبارزان مسلمان برای مبارزه با استعمار از آن استفاده کرده بودند. آن روش، ادّعای مهدویت از سوی برخی از مسلمانان آفریقا بود. استعمار می خواست از این حربه، برای شکست خود اسلام استفاده کند.

استعمار انگلیس، طعم مبارزه با مهدی سودانی یا متمهدی سودانی را که با ادّعای مهدویت، عدّه ای را به دور خود گرد آورد و جنگ های بسیاری با دولت مصر و حتّی انگلیس کرد[۳] به یاد داشت و حتّی در نهایت، از این حرکت نیز برای رسیدن به اهداف خود استفاده کرد و با تشویق عدّه ای برای ادّعای مهدویت، ایجاد تفرقه میان مسلمانان را آغاز می کرد.

در کتاب ادیان و مهدویت، در فصلی با نام «مدّعیان مهدویت»، از حدود چهل و شش نفر نام برده شده است که مدّعی مهدویت شده اند.[۴] هر چند تعداد مدّعیان مهدویت، بیش از این مقدار است، ولی باید دانست که اوج این ادّعاها، در دوره ی استعمار بوده است. مؤلف کتاب مذکور، در ادامه می نویسد: اشخاص دیگری مدّعی مهدویت شدند که سیاست خارجی، آن ها را تحریک نمود و گرنه

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

فرومايگی آن ها مانند آفتاب آشکار شد. مانند سید علی محمد باب، میرزا یحیی ازل، حسین علی عبدالبهاء، یوسف خواجه کاشغری که گفت من امام زمان هستم و پیشوای تراکمه گردید و بیست و نه هزار ترکمن در کنار رود گرگان با قشون ایران مصاف داده و نظایر بسیار در اطراف جهان از آن ها دیده شده است. [۵] استعمار، در هندوستان نیز احمدخان قادیانی را به این ادعا برانگیخت و فرقه قادیانیّه را ایجاد کرد. این فرقه، بعدها، به دو فرقه تقسیم شدند و هم اکنون نیز در پاکستان به حیات خود ادامه می دهد. [۶]

پی نوشت:

- [۱]. به بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۶۷ - ۳۸۱ مراجعه کنید.
- [۲]. خاطرات همفر، (جاسوس انگلیسی در ممالک اسلامی)، ص ۱۹۳.
- [۳]. ادیان و مهدویت، ص ۷۱.
- [۴]. ادیان و مهدویت یا آراء و عقاید درباره ی مهدی، محمد بهشتی، ص ۷۱ - ۸۳، انتشارات امیر.
- [۵]. همان مرجع، ص ۸۳.
- [۶]. فرق و مذاهب کلامی، ص ۳۴۵ - ۳۴۷.

آیا در قرآن کریم نامی از حضرت مهدی برده شده است و آیا در قرآن کریم حرفی از انتظار و اینکه منتظر واقعی کیست و باید دارای چه ویژگی هایی باشد، به میان آمده است؟

پاسخ:

ابتداءً با ذکر یک مقدمه به فراز اول از سوال می پردازیم.

مقدمه: قرآن کریم برای معرفی شخصیت ها به مقتضای حکمت و بلاغت از سه روش استفاده نموده است که ذیلا بیان می شود.

۱. معرفی با اسم: اولین راه این است که شخصیت مورد نظر را با اسم معرفی می نماید، به طور مثال «و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل»؛ [۱] محمد - صلی الله علیه و آله - نیست جز پیامبری که قبل از او نیز پیامبرانی بوده اند.
۲. معرفی با عدد: در این مورد به عنوان نمونه قرآن نقبای بنی اسرائیل را اینگونه معرفی نموده است. مانند: «و بعثنا منهم اثنی عشر نقیباً»؛ [۲] و از ایشان دوازده پیشوا برانگیختیم.
۳. معرفی با صفت و ویژگی: قرآن پیامبر را با این شیوه نیز معرفی نموده است، مانند آیه «الذین يتبعون الرسول النبي الأمي»؛ [۳] همانان که از این فرستاد پیامبری که درس نخوانده پیروی می کنند و حضرت

علی - علیه السّلام - را هم با صفاتش معرفی شده است، مانند آیه «انما ولیکم الله ورسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلوة و یؤتون الزکاة و هم راکعون»؛ [۴] ولی شما تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده اند، همان کسانی که نماز برپا می دارند و در حال رکوع زکات می دهند. این قسم اخیر که معرفی با صفات است شاید بهترین راه معرفی باشد، زیرا این نوع معرفی راه را بر سود جوین می بندد چون نام قلبی می توان درست کرد، اما تخلق به صفات، عملاً کار آسانی نیست و قابل جعل نمی باشد. لذا در سورة بقره می بینیم که خداوند متعال بعد از آن که طالوت را به اسم معرفی می کند بلافاصله وی را با صفات و نشانه نیز معرفی می نماید تا جلوی هر گونه اشتباه احتمالی گرفته شود. در آنجا که می فرماید: «انّ الله قد بعث لکم طالوت ملکاً»؛ [۵] در حقیقت خداوند طالوت را بر شما به پادشاهی گماشته است. بعد می فرماید: «و قال لهم نبیهم ان آیه ملکة...»؛ [۶] و پیامبرشان به ایشان گفت در حقیقت نشانه پادشاهی او این است که ..

قرآن کریم در معرفی اشخاص از سه روش استفاده نموده است و بهترین روش معرفی اشخاص با صفات و ویژگی ها است. حال سوال این است که قرآن کریم حضرت مهدی (عج) را چگونه معرفی می کند.

با مراجعه به قرآن مجید در می یابیم که نامی از حضرت مهدی (عج) در این کتاب آسمانی به صراحت بیان نشده است. همان گونه که از حضرت علی - علیه السّلام - و سایر ائمه معصومین نامی به میان نیامده است و عدم تصریح به اسم براساس مصالحی است که خداوند علیم و حکیم بر آن آگاه است و اما باید اذعان داشت که تصریح به اسم تنها راه معرفی اشخاص نیست، بلکه از راه های دیگری مانند معرفی به صفات هم می توان بهره برد. حضرت ولی عصر (عج) هم با برخی صفات و ویژگی ها و کارها شناسانده شده است. خداوند تبارک و تعالی می فرماید: «و لقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عباد الصالحون»؛ [۷] و همانا نوشته ایم در زبور پس از ذکر که زمین را بندگان صالح من به ارث خواهند برد.

حافظ قندوزی سلیمان حنفی به اسناد خویش از امام محمد باقر و امام صادق - علیه السّلام - درباره این آیه می گوید: عباد صالح که در این آیه آمده است حضرت مهدی (عج) و اصحاب او می باشند. [۸] به طور کلی اندیشه مهدویت ریشه در کلام الهی دارد که همان حقیقت رسیدن نهایی جامعه بشری به عدالت در تمامی ابعاد است. به گفته محققان و پژوهشگران این عرصه بیش از دویست و پنجاه آیه درباره حضرت مهدی - علیه السّلام - و بیش از پانصد روایت از پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین - علیهم السّلام - در تأویل و تفسیر این قسم از آیات بیان شده است. [۹] که تفصیل آنها در این مختصر نمی گنجد، جهت اطلاع بیشتر به منابعی که در پایان معرفی می گردد رجوع فرمایید.

و اما راجع به فراز دوم سوال که آیا در قرآن کریم از انتظار و صفات منتظران سخنی به میان آمده است یا خیر.

در پاسخ به این نکته باید توجه داشت که انتظار فرج و وظایف منتظران نیز ریشه قرآنی دارد و اندیشه ای است مشتمل بر عنصر خوش بینی نسبت به آینده و اندیشه پیروزی نهائی حق بر باطل و غلبه قطعی صالحان و پرهیزگاران و کوتاه شدن دست ستمکاران و جباران که در اینجا به یک مورد از آن آیات اشاره می کنیم.

۱. فقل انما الغیب لله فانتظروا انی معکم من المنتظرین؛ [۱۰] پس بگو جز این نیست که غیب خدا را است پس منتظر باشید همانا من نیز با شما از منتظران می باشم.
حافظ قندوزی حنفی به اسناد خویش از امام صادق - علیه السلام - درباره این آیه می گوید غیب حجت قائم (عج) در این آیه می باشد. [۱۱]

و اما منتظر واقعی کیست و دارای چه ویژگی هایی می باشد؟

شاید از بعضی آیات بتوانیم پاسخ این سوال را بدهیم که قرآن کریم نیز درباره منتظران و ویژگی های آن سخنی به میان آورده است، به طور نمونه به یک آیه اشاره می کنیم: «یا ایها الذین آمنوا اصبرو و صابروا و رابطو و اتقوا الله لعلکم تفلحون»؛ [۱۲] ای کسانی که ایمان آورده اید شکیبایی کنید و پایداری ورزید و مرزبانی کنید و خداترس باشید. امام باقر در همین راستا می فرمایند، در انجام واجبات الهی و دستورات دینی شکیبا باشید و در مقابل دشمنان ثابت قدم و استوار ایستادگی کنید و همواره مرزبان پیشوای موعودتان حضرت مهدی باشید. [۱۳] گفتنی است تفصیل خصوصیات را باید از سنت توقع داشت و لزوم امامت به همین جهت است.

منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱. عابدین زاده محمد، مهدی در قرآن، ناشر: لاهیجی، چ ۱۳۸۰.
۲. فروز رضا، مهدی در قرآن، ناشر رایحه، چ ۱۳۷۶.
۳. حسینی شیرازی، موعود قرآن، ناشر موسسه امام مهدی.
۴. حسینعلی سعدی، فصلنامه تخصصی انتظار، شماره ۶، نام مقاله: شناخت وصایای خورشید پنهان، ص ۲۹۹.
۵. گوردی یزدی، انتظار، ناشر سیمای ولایت، چ ۱۳۸۰.
۶. تلافی علی اکبر، آیین انتظار، ناشر موسسه فرهنگی نبا، چ ۱۳۷۸.
۷. مغیثی پور علی اکبر، انتظار فرج، نشر ایستار، چ ۱۳۸۰.
۸. تحقیقات جمران، وظایف منتظران، نشر مسجد جمکران، چ ۱۳۷۹.
۹. مولوی نیا، محمد جواد. سیمای مهدویت در قرآن، ناشر: امام عصر، چ ۱۳۸۱.

امام سجاد - علیه السلام - می فرمایند:

ن: ۱۳۷۶م انتظار الفرج من اعظم الفرج؛ [۱۴] انتظار فرج خود از بزرگترین گشایشها است.

پی نوشتها:

[۱]. آل عمران، ۱۴۴.

[۲]. مائده، ۱۲.

[۳]. اعراف، ۱۵۷.

[۴]. مائده، ۵۵.

[۵]. بقره، ۲۴۷.

[۶]. بقره، ۲۴۸.

[۷]. انبیاء، ۱۰۵.

[۸]. موعود قرآن، حسینی شیرازی، ترجمه موسسه امام مهدی، چ ۱۳۶۰، ص ۷۵، به نقل از عقد الدرر مقدس شافعی، باب ۷، ص ۲۱۷.

[۹]. معجم احادیث المهدی، شیخ علی کورانی، موسسه معارف اسلامی، چ بهمن ۱۳۷۵، ص ۱۵۰.

[۱۰]. یونس، ۲۰.

[۱۱]. حسینی شیرازی، موعود قرآن، ترجمه مؤسسه امام مهدی، ص ۵۴، به نقل از ینایع الموده، قندوزی حنفی، ص ۵۰۸.

[۱۲]. آل عمران، ۲۰۰.

[۱۳]. تفسیر برهان، ج ۱، ص ۳۳۴.

[۱۴]. شیخ صدق، کمال الدین، باب ۳۱، حدیث دوم.

نسبت رشد عقلانی، برابری و اخلاق در نظام دار بنیادی مهدوی مورد انتظار ما چگونه است؟ و آگاهی و اراده آدمی در رسیدن به این نظام چه نقشی دارد؟

پاسخ:

انسان در بعد عقلانی و رشد برابری و اخلاق سیری طولانی داشته است. در میان دست آوردهای علمی که نصیب انسان شده است تعالیم انبیاء و آموزگاران اصول وحی، مقامی بلند و ارزشمند دارد و چون حضرت مهدی (عج) آخرین سفیر الهی است در عصر ظهورش، انسان ها را در بعد عقلانی و اخلاقی و برابری نیز به جایگاه اصلی خویش که بالاترین رشد عقلانی و برابری و اخلاق باشد می رساند. امام باقر - علیه السلام - می فرماید: «هنگامی که قائم ما برخیزد دستش را بر سر بندگان می گذارد و عقل آنان را متمرکز می نماید و قوای عقلانی را به کمال می رساند.» [۱]

پرسش و پاسخ مهدوی کتابخانه گفتگوی دینی

در حکومت آن حضرت نه عامل مهم وجود دارد که فسادهای اخلاقی را ریشه کن می کند و باعث رشد اخلاقی می شوند:

۱. اجرای عدالت اجتماعی و تقسیم عادلانه ثروت.

۲. آموزش و تربیت صحیح.

۳. وجود داشتن یک دستگاه قضایی بیدار و آگاه با مراقبت های دقیق.[۲]

امام حسن - علیه السلام - می فرماید: «... خداوند در آخرالزمان مردمی را بر می انگیزد که کسی از منحرفان و فاسدان نمی ماند مگر این که اصلاح گردد».[۳]

و اراده و آگاهی آدمی نیز در رسیدن به نظام حکومتی حضرت نقش به سزایی دارد زیرا او می خواهد حکومت جهانی به وجود آورد و حکومت جهانی قبل از هر چیز نیازمند عناصر آماده و با ارزش انسانی است و این در درجه اول به بالا بردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی فکری و روحی برای پیاده کردن آن برنامه عظیم نیاز دارد. و هرگز نمی توان به انتظار معجزه نشست، زیرا معجزه استثنایی است منطقی در نظام جمادی طبیعت برای اثبات حقانیت یک آیین آسمانی نه برای اداره همیشگی نظام جامعه.[۴]

برای مطالعه بیشتر به کتاب های زیر مراجعه کنید:

عصر زندگی محمد حکیمی، حکومت جهانی مهدی آیت الله مکارم شیرازی، دادگستر جهان آیت الله امینی، خورشید مغرب، محمدرضا حکیمی، چشم اندازی به حکومت مهدی، نجم الدین طوسی و مکیال المکارم موسوی اصفهانی.

حدیث: پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - با ایمان ترین شما با معرفت ترین شما است. جامع الاخبار، ص ۳۶.

حدیث:

امام علی - علیه السلام - می فرماید: «اما مهدی قاضیان زشتکار را کنار می گذارد ... و حکمرانان ستم پیشه را عزل می نماید و زمین را از هر نادرست و خائنی پاک می سازد».

بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۲۰.

پی نوشت:

[۱]. موسوی اصفهانی، مکیال المکارم، ترجمه، سید مهدی قزوینی، ناشر، ایران نگین، ج ۱، ص ۱۴۴؛

کافی، ج ۱، ص ۲۵.[۲]. ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی مهدی، انتشارات نسل جوان، ج ۱۱، چاپخانه نمونه، ص ۲۷۶.

[۳]. محمد بن الحسن حرّ عاملی، اثبأ الهداء، ج ۳، چاپخانه علمیه قم، ص ۵۲۴.

[۴]. ناصر مکارم شیرازی، حکومت جهانی حضرت مهدی، ج یازدهم، انتشارات نسل جوان، ص ۸۲.

از چه زمانی، عدّه ای به دروغ، ادعای مهدویت کردند؟

پاسخ :

اعتقاد به مهدی موعود(علیه السلام) در بین مردم به خاطر تأکیدی که پیشوایان دینی ما داشتند، از زمان پیامبر(صلی الله علیه وآله) رواج داشته است.[۱] آن حضرت، بارها[۲]، در مناسبت های گوناگون، از حضرت مهدی و از ظهور و قیام و غیبت طولانی و دیگر ویژگی های آن حضرت خبر داده اند و بسیاری از اصحاب پیامبر(صلی الله علیه وآله)[۳] از این موضوع خبر داشتند و شعرای مسلمان، مانند کمیت اسدی (متوفای ۱۲۶ هـ ق) و اسماعیل حمیری (متوفای ۱۷۳ هـ ق) و دعل خزاعی (متوفای ۲۴۶ هـ ق) در اشعار خود، از آن یاد کرده اند. همین مسئله، سبب شده که در طول این مدّت، افرادی پیدا شوند که یا خود، ادعای مهدویت کنند و یا عدّه ای از مردم به مهدویت آنان معتقد شوند. به عنوان مثال، عدّه ای، محمد حنیفه (پسر امیرالمؤمنین(علیه السلام)) را امام مهدی می پنداشتند و می گفتند او غیبت کرده است، در حالی که در سال (۸۱ هـ ق) وفات یافته است،[۴] و یا مهدی عباسی خود را مهدی موعود می نامید.[۵] بنابراین، آغاز ادعای مهدویت، به دوره ی بعد از شهادت امام حسین(علیه السلام) باز می گردد.

پی نوشتها:

- [۱]. اعلام الوری، طبرسی، ص ۴۴۳، نشر دارالکتاب، طبع سوم، تهران؛ دادگستر جهان، ابراهیم امینی، ص ۷۴-۸۲، انتشارات دارالفکر، چاپ چهارم، قم.
- [۲]. همان مدرک، ص ۳۱۰. روایت از یازده امام نقل شده است.
- [۳]. نوید امن و امان / ۹۱، لطف الله صافی، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
- [۴]. الملل و النحل، عبدالکریم شهرستانی، ج ۱، ص ۱۳۲، منشورات رضی، قم.
- [۵]. مقاتل الطالبین، ابوالفرج اصفهانی، ص ۱۹۳، المكتبة الحیدریه، ۱۳۸۵ هـ ق، نجف.

آیا انقلاب اسلامی ایران می تواند از مقدمات ظهور امام زمان(عجل الله تعالی فرجه الشریف) محسوب گردد؟

پاسخ :

انقلاب اسلامی ایران نهضتی مبارک و انفجار نوری است که در شبستان دیجور گمراهی ها و سرگردانیها رخ داده است. و رعدی بوده است که بر تارک طاغوتیان فرود آمده است که از آن تولد دوباره یک ملت پدیدار گشته است و آرزوی دیرینه همه انبیاء و اوصیاء الهی به وسیله آن نهضت

برآورده گشته است و چقدر زیباست که بیان شود این انقلاب ظهور صغرا است و زمینه ساز ظهور کبری حضرت صاحب الزمان (عج) است. و به فرموده آن سلاله پیامبر، رهبر و ناخدای این انقلاب که فرمود: «انقلاب ما نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام، به پرچمداری حضرت حجت ارواحنا فداه است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور فرجش را در عصر حاضر قرار دهد».[۱] و این که این انقلاب از جمله مقدمات ظهور و زمینه ساز حکومت جهانی حضرت ولی عصر (عج) می باشد. ریشه در معانی روایی ما دارد که اجمالاً به برخی از آنها اشاره می گردد.

۱. پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - فرمودند: «خداوند متعال در شب معراج به من فرمودند: یا محمد از جمله عطاهایی که به تو مرحمت فرموده ایم آن است که یازده مهدی از نسل تو می باشند و آخر آنها کسی است که عیسی بن مریم پشت سر او نماز می خواند و به وسیله او زمین پر از عدل و داد می گردد. عرض کردم اینها چه وقت ظاهر می شود، پروردگار متعال علایمی را فرمود، از جمله: و خروج رجل من ولد الحسین ابن علی مردی از اولاد حسین پیش از ظهور حضرت مهدی قیام و انقلاب خواهد نمود».[۲] قابل توجه است که در این روایت خبر دهنده خالق هستی و مخاطب و شنونده پیامبر - صلی الله علیه و آله - معلوم است وقتی که خداوند متعال خبر از انقلاب کسی بدهد او فرد عادی نیست و انقلاب او هم باید انقلاب عظیمی بوده باشد و در تاریخ حداقل تاکنون مانند این انقلاب چنین به وقوع نپیوسته است. و از قرائن دیگری که ذیلاً اشاره می شود می توان این خبر را مصدق انقلاب اسلامی ایران دانست.

۲. امام باقر می فرمایند: در یکی از روزها عمر و ابابکر و زبیر و ابن عوام و عبدالرحمن بن عوف در منزل رسول اکرم جمع شدند. رسول اکرم - صلی الله علیه و آله - در جمع آنان نشست، در حالی که نعلین حضرت پاره شده بود. به علی - علیه السلام - داد تا اصلاحش نماید، در این حالت حضرت فرمود گروهی از ما در طرف راست عرش خدا بر منبرهایی از نور قرار دارند که صورتهایشان نورانی و لباسهایش نیز نورانی است و نور صورتشان چشم بینندگان را خیره می کند. ابوبکر و زبیر و عبدالرحمن سؤال کردند آنها چه کسانی هستند، پیامبر سکوت کرد، علی - علیه السلام - پرسید پیامبر فرمودند: آنها کسانی هستند که به واسطه روح الله دوست هم می گردند و متحد می شوند بدون آن که اغراض مادی یا خویشاوندی داشته باشند و آنان شیعیان تو هستند یا علی و تو امام آنها می باشی».[۳] پس از پیروزی انقلاب اسلامی آیت الله صدوقی در ملاقاتی خدمت امام عرض کرده بودند. آقا این روح الله که در حدیث (تحابوا بروح الله) شما هستید؟ زیرا امروز تمام اقشار مردم به واسطه رهبری دوستی شما متحد شدند، امام با لبخندی گذشت.[۴]

۳. پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمودند: مردم از مشرق قیام می کنند و زمینه را برای انقلاب جهانی مهدی (عج) فراهم می سازند.

۴. امام صادق - علیه السلام - خداوند سبحان قم و اهلش را برای رساندن پیام اسلام قائم مقام حضرت ولی عصر می گرداند و دانش از این شهر به شرق و غرب عالم منتشر می گردد و آن گاه قائم ظهور می کند. [۵]

۵. امام باقر - علیه السلام - می بینم گروهی از مشرق زمین قیام می کنند و طالب حق می باشند اما آنان را اجابت نمی کنند، مجدداً بر خواسته هایشان پافشاری می کنند اما مخالفان نمی پذیرند وقتی چنین وضعی را مشاهده می کنند، شمشیرها را به دوش کشیده و در مقابل دشمن می ایستند. این جاست که پاسخ مثبت می گیرند اما این بار هم نمی پذیرند تا این که همگی با هم قیام می کنند و آن چه به دست می آورند (انقلاب) جز به دست توانای صاحب شما (حضرت مهدی (عج)) به کس دیگری نمی سپرند. کشته های آنان شهید محسوب می گردد، اگر من آن زمان را درک می کردم خویشتن را برای صاحب این امر نگه می داشتم. [۶]

این روایت معجزه آسا فرازهای انقلاب اسلامی را بیان می کند. و مؤده اتصال این انقلاب را به انقلاب جهانی حضرت ولی عصر (عج) می دهد.

جهت تطبیق مراحل این روایت با انقلاب اسلامی ایران و پیگیری بحث از این منظر که انقلاب اسلامی ایران جزء زمینه سازان ظهور حضرت است می توان به کتب و منابع مفصل تری مراجعه کرد که ذیلا معرفی می گردد.

۱. زمینه سازان ظهور انقلاب جهانی حضرت مهدی (عج)، سید اسدالله هاشمی شهیدی، ناشر پرهیزگار قم.

۲. آینده و آینده سازان، محمد دشتی، ناشر: موسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین.

۳. عصر ظهور، علی کورانی، چ و نشر بین الملل دفتر تبلیغات اسلامی.

پی نوشت:

[۱]. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۸۰.

[۲]. کمال الدین و اتمام النعمه، شیخ صدوق، با تحقیق علی اکبر غفاری، چ اسلامی، ج ۱، ص ۲۸۳.

[۳]. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۶۸، ص ۱۳۹، چاپ اسلامی.

[۴]. آینده سازان، محمد دشتی، ص ۷۰.

[۵]. سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۶۸، حدیث ۴۰۸۸؛ و عقد الدرر، ص ۱۲۵، به نقل از زمینه سازان

ظهور، اسدالله شهیدی، ص ۱۹۶، چ پرهیزگار قم.

[۶]. بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۴۳، چ اسلامیه.



مرکز ملی پاسخگویی به سوالات دینی